

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رہبانی

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳

صفحه ۱۶۷ تا ۱۸۴

مهاجرین افغانستان و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن برای جامعه ایران

رضا فکری بارکوسرائی / دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم سیاسی، واحد قم،

دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

علی شیرخانی / استاد گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

rooz1357@gmail.com

محمد ترابی / دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

مهاجرین از عوامل اصلی خیز اقتصادی کشورها می‌باشند که با برگشت حواله‌های پولی یا رمیتنس‌ها می‌توانند کشور مادری خود را منتفع سازند. رمیتنس‌ها، انتقال پول، کالا و ویژگی‌های مختلف توسط مهاجران به کشورهای مبدأ یا مادری خود می‌باشند. گرچه مفهوم رمیتنس، فقط جنبه پولی را در برمی‌گیرد، ولی رمیتنس‌ها جریان‌های پولی و غیرپولی مانند رمیتنس‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند. این پژوهش با واکاوی تبارشناسی مفهوم رمیتنس مهاجرین افغانستان، علاوه بر تدقیق بر روی مفهوم رمیتنس، تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که جریان رمیتنس اقتصادی و اجتماعی مهاجرین افغان چه پیامدهایی برای جامعه ایران در حوزه اجتماعی و اقتصادی دارد؟ مقاله حاضر با این فرض مرتبط بودن مهاجرین و جریان رمیتنس افغانستانی‌ها در ایران، به این نتیجه رسیده است که جریان رمیتنس مهاجرین نه تنها بخش مالی را در بر می‌گیرد بلکه دارای تأثیرات اجتماعی و فرهنگی متعددی در جامعه مقصد (ایران) نیز هست که برای آن می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید. تغییر بافت جمعیتی و ایجاد شکاف‌های قومی - مذهبی و تغییر فرهنگ کار و اشتغال و گسترش اقتصاد غیررسمی و مشاغل کاذب از تأثیرات منفی حضور مهاجرین است و رونق بخشی به صنایع ساختمان و معدن و تنوع بخشی به نیروی کار انسانی ارزان و پرتلاش از تأثیرات مثبت مهاجرین افغانستانی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی - توصیفی و بر پایه اطلاعات میدانی، منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

کلیدواژه: رمیتنس، مهاجرین افغان، رمیتنس اجتماعی، تأثیرات اجتماعی، مهاجرت.

تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۲

مقدمه

در عصر اقتصاد جهانی، جریان‌های پولی یکی از دلایل اصلی رشد اقتصادی کشورها می‌باشند. در این راستا مهاجرین از عوامل اصلی خیز اقتصادی کشورها می‌باشند که با برگشت حواله‌های پولی یا رمیتنس‌ها می‌توانند کشور مادری خود را منتفع سازند. رمیتنس‌ها، انتقال پول، کالا و ویژگی‌های مختلف توسط مهاجران به کشورهای مبدا یا مادری خود می‌باشند (Cota & Gunzales, 2008, 35-40). گرچه مفهوم رمیتنس، فقط جنبه پولی را در بر می‌گیرد، ولی رمیتنس‌ها جریان‌های پولی و غیرپولی مانند رمیتنس‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند. (oucho, 2008, 3). محققان در گونه‌شناسی‌های خود از دیاسپورا^۱، این مفهوم را به عنوان یک شبکه کسب و کار مانند اتاق‌های بازرگانی، شبکه‌های علمی، ظرفیت‌های مهارتی، استارت‌آپ‌های اجتماعی و بنگاه‌های توسعه و مهاجرت می‌دانند (Ianescus, 2006). در اینجا سوال اصلی که قابل بحث می‌باشد توسط محققین طرح گردیده است (Sorensen, 2006, 96). چگونه دولت‌ها می‌توانند به بهترین شکل جریان‌های واقعی مالی مانند رمیتنس‌های اجتماعی را تخمین بزنند. در نگاهی دیگر، رمیتنس‌ها را به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی یک کشور می‌دانند (Adoms, 2003)؛ که تاثیری منفی و معنادار بر سه معیار فقر، شکاف فقر و مربع شکاف فقر دارد.

این تحقیق با نگاهی بدیعی در صدد آمار دقیق رمیتنس‌های مهاجرین افغان، پردازش اطلاعات و تاثیر رمیتنس‌ها بر سرانه ملی کشور و در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی و ... می‌باشد. گرچه بنا به دلایل فراوان اطلاعات دقیق از رمیتنس مهاجرین افغان به دلایل ساختار مهاجرت و یا پناهندگی آنها وجود ندارد ولی به طور قطع این تحقیق، آغاز مناسبی برای یکی از حوزه‌های پر نفوذ اقتصادی را در حوزه تولید ناخالص ملی می‌تواند ترسیم نماید. به طور کلی باید عنوان نمود این تحقیق با توجه به متغیرهای خود تمرکز اصلی را بر محور اقتصادی - اجتماعی گذاشته و از این منظر بر مدار اقتصاد توسعه است. با این وصف با فروپاشی سیستم مالی افغانستان در دوران تسلط طالبان، رمیتنس‌های ارسالی توسط دیاسپورای افغان مهمتر از همیشه شده است. در این راستا باید عنوان نمود رمیتنس ۶ میلیون افغان در سراسر جهان راهی موثر برای نجات خانواده آنها و سیستم مالی کشور افغانستان می‌باشد. پس از تسلط سریع طالبان بر افغانستان، افغان‌ها به فشارهای مضاعفی دچار شده

¹. Remittance

². Diaspora

اند. آمریکا ۷ میلیارد دلار از ذخائر افغانستان را مسدود و هرگونه کمک مالی به این کشور را در قالب کمک صندوق بین المللی پول، قطع نمود. از سویی رمیتنس برای خانواده های افغان بسیار مهم و حیاتی است. مهاجرین افغان در خاورمیانه و اروپا، سالهاست که در قالب رمیتنس به کشور خود، حواله و پول را ارسال، به طوریکه ۱۰-۲۰ درصد مردم افغان در حال حاضر به رمیتنس متکی می باشند (WBG¹, 2022, 7/22). در سال ۲۰۱۵، تقریباً دو نیم میلیون کارگر افغان که عمدتاً در ایران، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس زندگی می کردند، کارگران غیر ماهر در حوزه اقتصاد غیررسمی بوند (WBG) 05/02/2018. در سال ۲۰۲۰، افغانها تقریباً ۸۰۰ میلیون دلار، رمیتنس دریافت نموده اند که تقریباً ۴ درصد تولید ناخالص داخلی^۲ افغانستان بوده است. گرچه با تسلط طالبان این مبلغ به ۲ درصد کاهش یافته است. پس از این کاهش قابل توجه رمیتنس در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۷ درصد افزایش که یک مبلغ خیره کننده را نشان می دهد. (WBG, 2023). به هر ترتیب این جریان در جامعه‌ی مقصد دیاسپورای افغانستانی همچون کشور ایران، دارای تاثیرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی است. بدین منظور پژوهش حاضر با واکاوی تبارشناسی مفهوم رمیتنس دیاسپورا افغانستان، علاوه بر تدقیق بر روی مفهوم رمیتنس، تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که جریان رمیتنس اقتصادی و اجتماعی دیاسپورای افغان چه پیامدهایی برای جامعه ایران در حوزه اجتماعی و اقتصادی دارد؟ در پاسخ سؤال تحقیق و در مقام فرضیه پژوهش باید گفت جریان رمیتنس دیاسپورای افغانستانی در ایران، دارای پیامدهای اجتماعی و اقتصادی است؛ که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به ذکر است که روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی - توصیفی بوده و داده‌های آن براساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری می شود.

۱. پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان «رمیتنس افغانستان: بررسی هزینه انتقال، شناسایی میزان و کانال‌های انتقال» توسط محیب اله فقیر زاهی که توسط بانک ملی افغانستان در سال ۲۰۱۸، صورت گرفته است به بررسی کانال‌های رسمی انتقال رمیتنس به افغانستان می‌پردازد. در این گزارش کانال‌های رسمی انتقال حواله یا رمیتنس به افغانستان و مبادی ورودی آن مورد

1. World Bank Group (WBG)

2. GDP

توجه قرار می‌گیرد. این گزارش توجه خود را بر روی نهادهای اصلی قانونی مالی و رسمی رمیتنس به افغانستان، متمرکز کرده است.

گزارشی با عنوان اهرم‌های مالی مهاجرین برای بسیج سرمایه بخش خصوصی در دسامبر ۲۰۲۳ توسط گروه بانک جهانی در بخش توسعه و مهاجرت به چاپ رسیده است. در این گزارش گرایش‌های اصلی در جریان رمیتنس، چشم انداز رمیتنس تا سال ۲۰۲۵ و تبعات رمیتنس برای کشورهای مبدا و مقصد مورد توجه قرار می‌گیرد. این گزارش با توجه به پدیده مهاجرت افغان‌ها از سال ۲۰۲۱ به بعد جریان رمیتنس ورودی به افغانستان را بیش از پیش و یکی از عوامل تاثیر گذار بر روی تولید ناخالص ملی افغانستان می‌داند.

دانیل گاروت سانچز (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحرک بین المللی مهاجرین، تجربه و شواهد برای افغانستان در سطح کلان»، کیفیت مهاجرت اقتصادی پناهندگان افغان را بررسی کرده و بین مهاجرت و جریان رمیتنس پناهندگان افغان ارتباط معناداری را می‌یابد. در این تحقیق الگوهای تاریخی مهاجرت در افغانستان، واکاوی و آخرین روند مهاجرت افغانه را به دلیل معیشتی و مالی، مهاجرت اقتصادی تعریف می‌کند؛ مهاجرتی که با جریان رمیتنس و برگشت پول از کشور مقصد به افغانستان و خانواده‌های مهاجرین گره خورده است.

جان اوچو (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «جریان‌های رمیتنس و دیاسپورای آفریقا» ادعا داشته است که رمیتنس‌ها، انتقال پول، کالا و ویژگی‌های مختلف توسط مهاجران به کشورهای مبدا یا مادری خود هستند. به باور نویسنده جریانهای انتقال پول از سوی مهاجران به کشورهای مبدأ خود، شامل جریان‌های اقتصادی و اجتماعی نیز می‌شود و دارای اثرات فراتر از جریان مالی است.

امعان نظر در آثار تدوین شده در این حوزه نشان می‌دهد اثری علمی و تحقیقاتی، در باب فرایند و جریان رمیتنس افغانستانی‌ها و تاثیرات اجتماعی و اقتصادی آن بر جامعه‌ی ایران تدوین نشده است؛ همین امر می‌تواند بداعت و نوآوری مقاله حاضر را تضمین کرده و زمینه‌ای را به منظور گسترش این ادبیات و نیز انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه از مطالعات اقتصادی و اجتماعی فراهم نماید.

۲. اقتصاد و مهاجرت: درآمدی نظری

مساله یا مشکله‌ی «مهاجرت» یکی از چالش‌های بحث برانگیز است؛ زیرا پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد، جوامع و دموکراسی کشورهای فرستنده و پذیرنده دارد. پدیده مهاجرت که امروزه به معضلی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شده (به ویژه در

سطح مهاجران نخبه)، ریشه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مختلفی داشته و در گونه‌های مختلف، بر اساس کارکردی متفاوت صورت می‌گیرد که البته از سطوحی چند وجهی نیز برخوردار است. در این رابطه اندیشمندان نظریات متعددی را ارائه کرده‌اند که می‌توان آنها را ذیل ادبیات نظری مهاجرت تعریف کرد؛ این ادبیات به دنبال درک دلایل و انگیزه‌های تصمیمات افراد و خانواده‌ها برای جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر - داخلی یا بین‌المللی - و همچنین عواملی هستند که حفظ جریان مهاجرت را در طول زمان توضیح می‌دهند (2019 Bueno & Prieto-Rosas). در این میان نظریه‌های کارکردگرایی، ساختارگرایی و توسعه‌گرایی از اهمیت بیشتری نسبت به نظریه‌های دیگر برخوردار هستند.

کارکردگرایان با اعتقاد به الگوهای جاذبه-دافعه در فرایند مهاجرت انسانها، بر نقش و جایگاه سیاست‌گذاری مهاجرتی دولت‌ها تأکید دارند. طرفداران این نوع از نظریه بر این باورند که مهاجرت در زندگی انسانها با هدف نیل به تعادل صورت می‌گیرد و همین امر باعث شده است که مهاجرت هم ماهیت اجتماعی داشته باشد و هم اقتصادی و بعضاً حتی دلایل فرهنگی و سیاسی به خود می‌گیرد (De Hass, 2010:56). «نظریه مهاجرتی نئو کلاسیک‌ها، مشهورترین نظریه کارکردگرایانه اقتصادی است. این نظریه، پیامد مهاجرت را با تفاوت‌های اقلیمی بیان می‌کند که به علت دیدگاه‌های فردی، عقلایی و حداکثر سازی درآمد و سود محقق می‌شود و همین عامل، منجر به تغییر مکان (مهاجرت)، از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می‌شود که در آن فرد بهره‌ورتر و دارای دستمزد بالاتر است. برای نمونه، تودارو و هریس (1969) و تودارو (1970)، مهاجرت روستا به شهر را با یک مدل درآمد انتظاری مطرح کردند که، این مدل قابلیت گسترش به مدل‌های بزرگتر در سطح بین‌المللی را دارد» (متقی، ۱۳۹۴: ۷۴-۶۳).

در مقابل نظریات کارکردگرایی مهاجرت، نظریه‌های ساختارگرا مطرح می‌شوند که ضمن نفی معادله‌ی هزینه-فایده در امر مهاجرت، بر متغیرهایی چون دستمزد، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت‌های اجتماعی در جوامع در تحریک افراد به مهاجرت از کشورها و جوامع خود به کشورهای دیگر تأکید دارند. این دسته از نظریه‌ها با ابتنا بر مفهوم شکست بازار، خواهان دخالت دولت و تدوین سیاست‌هایی اصرار دارند که بتواند عوامل گسترش مهاجرت را در کشور کاهش دهد (Stark, 1991, Taylor, 1999). چنین نظریاتی می‌تواند ماهیت و دلایل اشکال غیرکارگری مهاجرت را در کشورهای در حال توسعه توضیح دهد.

نارسایی و فقدان جامع بودن نظری نظریه‌های ساختارگرایی و کارکرگرای، باعث ظهور نظریه‌های توسعه‌گرا در حوزه ادبیات نظری مهاجرت گردید. نظریه‌ی توسعه‌گرا «بیشتر روی رابطه میان مهاجرت و فرآیندهای توسعه صحبت می‌کند؛ برای نمونه، بخشی از نظریه‌پردازان این حیطه، ایده‌هایی را مطرح می‌کنند در این باب که، توسعه کشورهای مبدأ، منجر به کاهش مهاجرت بین‌المللی از این کشورها می‌شود که به نوعی توضیح دهنده نظریات "جاذبه - دافعه" و مدل‌های جاذبه است که توضیح دهنده رابطه معکوس میان سطوح مطلق و نسبی توسعه و میزان مهاجرت‌های بین‌المللی است؛ در مقابل، گروهی دیگر از نظریه پردازان این گروه، توسعه بیشتر را از عوامل مهاجرت بالاتر می‌دانند. چرا که منجر به افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی به مناطق توسعه یافته‌تر شده که با بهبود شرایط مهارتی و آموزشی مهاجران همراه است و در صورت بازگشت این مهاجران، منجر به جهش اقتصادی در کشور مبدأ می‌شود؛ دی هاس، در نظریه توسعه خود در این باب، به ارتباط میان مهاجرت و توسعه جوامع پرداخته و بیان می‌کند که ارتباط این دو مقوله، نه خطی است و نه معکوس بلکه این ارتباط، از طریق معکوس منحنی‌های J و U، نشان داده می‌شود. یعنی، در ابتدای روند توسعه، مهاجرت زیاد می‌شود و پس از این که به نقطه اشباع رسید، روند نزولی را طی می‌کند، به عبارتی پس از این مرحله، افزایش توسعه، موجب کاهش مهاجرت خواهد شد» (متقی، ۱۳۹۴: ۷۴-۶۳؛ De Hass, 2010).

از سوی دیگر در بسیاری از نظریات و مدل‌های اقتصادی، جمعیت دیاسپورا به مثابه یک بازار برای کشور خود هستند و مصرف‌کننده محصولات نوستالژیک کشور خود (Agunias and newland, 2012). باید عنوان نمود دیاسپورا همیشه با کشور مبدأ به دلیل انگیزه‌های فراوان، تعاملاتی بی‌حد و مرزی دارد. مهاجران غالباً، ارتباطات خود را با کشور مبدأ به دلیل خاطره جمعی و نوستالژی اسطوره‌های کشور مبدأ و آرمان سرزمین اجدادی و تعهد جمعی به حفظ، احیاء و کامیابی کشور، حفظ می‌نمایند (cohen, 1997, 515) دیاسپورا به مثابه سفرای آشتی، فعالین می‌توانند در جامعه دیاسپورا با ارتقاء مهارت‌های زبانی، بینش فرهنگی و..، صلح و امنیت را در کشورش ارتقاء و اهداف سیاست خارجی، دیپلماتیک و راهبردی را برای کشورشان بهبود بخشند (shain and barth, 2003). اهمیت این موضوع تا آنجاست که از پدیده دیاسپورا، محققین با عنوان "کارآفرینان سیاسی غیر دولتی" یاد می‌نمایند (Adamson & Demetrio, 2007). مهاجران، از سوئی باید عنوان نمود، امروزه مهاجران به واسطه سرمایه‌گذاری مستقیم با ایجاد کسب و کارهای جدید به اقتصاد کشورشان کمک می‌

نمایند. مطابق جدیدترین گزارشات که سازمان جهانی مهاجرت منتشر نموده، بسیاری از مهاجران بازگشته احتمالاً نسبت به کسانی که هرگز کشورشان را ترک نکرده اند، بیشتر تمایل دارند تا کسب و کاری جدید را راه اندازی نمایند. در حقیقت، در بعضی از کشورها، شرکت هائی که افراد دور از وطن مالک آنها هستند، بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری خارجی را تشکیل می دهند. کارآفرینی افراد دور از وطن نه تنها به ساخت سرمایه فیزیکی در کشورهای مبداء کمک نموده بلکه بهره وری اقتصادی و تولید شغل در کشورهای مقصد را نیز به عنوان یک عامل مولد رشد و توسعه، ارتقاء داده است.

کاتلین و همکاران (2013) در اثر خود با عنوان «ما از دیاسپورا و توسعه اقتصادی چه می دانیم؟»، ارتباط مذکور بین دو مولفه دیاسپورا و توسعه اقتصادی را در سه محور ذیل می داند:

- تجارت: یک ارتباط کامل و قابل توجه بین حضور دیاسپورا و افزایش تجارت وجود دارد. همچنین اعضای دیاسپورا ارتباطاتی را بین تولید و محصول در کشور مبداء و مقصد ایجاد می نمایند.

- سرمایه گذاری: سرمایه دیاسپوراها به طور مستقیم در کشورشان و متقاعد نمودن سرمایه گذاران غیر دیاسپورا که همان سرمایه گذاری را انجام دهند، اعتمادسازی سرمایه گذاران در ظهور بازارهای غیر توسعه یافته در این قسمت مهم می باشد

- مهارت ها و انتقال دانش: مهاجرین غالباً مهارت های ارزشمند و تجاری را که می توانند کسب نمایند به کشور خود انتقال می دهند (Kathelen & plaza, 2013, 3).

در نگاهی کلی به نظریات مطرح در حوزه ادبیات مهاجرت باید گفت، زمینه و ماهیت اقتصادی متغیری جهت دهنده و پراهمیت برای مهاجرت در این نظریات است. مهاجرت به باور این نظریات علیرغم کنشی اجتماعی و فرهنگی است اما دلایل اقتصادی نقش مهمی در وادار ساختن انسان به چنین کنشی دارند. از این رو، در مقاله حاضر نیز پیوند اقتصاد و مهاجرت در گسترش دیاسپورای افغانستانی در ایران و جریان ریمیتنس آنها در جامعه ایرانی مفروض گرفته شده است. از همین رو ضرورت دارد تا نتایج و پیامدهای اقتصادی و همزمان غیراقتصادی این روند و جریان را مورد بررسی قرار داد.

۳. جغرافیای انسانی افغانستان

میزان جمعیت افغانستان، بر طبق آخرین داده های بانک جهانی در سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۴۳ میلیون نفر بوده است. از این جمعیت طبق برآوردهای اولیه بیش از ۵ میلیون نفر در ایران، بیش از ۴ میلیون نفر در ایران، پاکستان و کشورهای دیگر مهاجر شده اند. (World bank

(Data, 2024). در افغانستان ۱۶/۵ درصد شهری، ۷۳/۷ درصد روستای، ۸/۶ درصد چادر نشین وجود دارد.

طبق قانون اساسی افغانستان، زبان‌های فارسی و دری زبان‌های رسمی افغانستان هستند و مهم‌ترین زبان‌های رایج در این کشور به شمار می‌روند؛ ولی زبان‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد. تقسیم‌بندی زبان‌ها به نسبت جمعیت بدین شرح تخمین زده شده است: فارسی ۵۰ درصد، پشتو ۳۵ درصد، ترکی (شامل: ازبک، ترکمن، قرقیز، و...) ۱۱ درصد، بیش از ۳۰ گروه زبانی کوچک‌تر (شامل: بلوچی، پشایی و...) ۴ درصد. در افغانستان دو نژاد عمده وجود دارد: نژاد سفید و نژاد زرد. نژاد سفید شامل: پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، نورستانی‌ها و... و نژاد زرد شامل: ازبک‌ها، ترکمن‌ها، قرقیزها، مغول‌ها می‌باشند. همچنین مهم‌ترین اقوام موجود در افغانستان عبارتند از: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ قرقیز، واخیز، هندو، سیک، کشمیری، ایماق، فارس، هراتی، براهویی، نورستانی، قزاق و... درصد جمعیت اقوام بزرگتر به قرار زیر است: پشتون ۳۸ درصد، تاجیک ۳۰ درصد، هزاره ۱۶/۵ درصد، ازبک ۶ درصد (افغانستان کتاب سبز، ۱۳۸۶، ۱۲-۹). دین ۹۹ درصد مردم افغانستان اسلام است. از این میان بین ۷۰ تا ۷۴ درصد مردم این کشور اهل سنت بوده که عمده آنها از شاخه حنفی می‌باشند؛ حدود ۲۵ درصد از مردم این کشور شیعه هستند؛ که اکثراً قوم هزاره هستند. هزاره‌های افغانستان، بیشتر در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و مرکز آنان شهر تاریخی بامیان است. اقلیت کوچکی نیز دارای مذهب اسماعیلی هستند: تعداد آنها تا ۲ درصد جمعیت ذکر شده است (افغانستان کتاب سبز، ۱۳۸۶، ۱۲-۹).

در خصوص تبارشناسی قومی مطالب فوق باید عنوان نمود، قومیت ارتباط وثیق و عمیقی با رمیتنس دیاسپورا دارد و سطح رمیتنس بستگی به ویژگی‌های قومی و شخصیتی مهاجران دارد، به طوری که می‌توان گفت خانواده‌های افغان که با تمام خانواده خود افغانستان را ترک نموده اند در مقایسه با افرادی که منفرداً افغانستان را ترک کرده اند، کمتر مستعد رمیتنس به افغانستان می‌باشند (Sanchez, 2017).

۴. عوامل موثر در مهاجرت افغان‌ها

عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماع و اقلیمی، مهم‌ترین عوامل موثر در مهاجرت افغانستانی‌ها به کشورهای دیگر هستند که در جدول ذیل به آنها اشاره شده است:

جدول شماره یک- عوامل مهاجرت افغانستانی‌ها

| عوامل اقلیمی | عوامل دموگرافیک و اجتماعی | عوامل اقتصادی | عوامل سیاسی |
|----------------|-------------------------------|--|----------------------------------|
| تغییرات اقلیمی | ساختار سنی جوانان | فقر و گرسنگی | تروریسم و جنگ |
| بلاایای طبیعی | عدم دستیابی به آموزش و بهداشت | بیکاری | نقش حقوق بشر |
| | فقدان زیر ساختهای مکفی | اشکال غیر رسمی اشتغال و کار | خشونت و جرم فساد و حکمرانی ضعیف |
| | | -ظهور و حاکمیت طالبان -عقب نشینی نیروهای بین المللی از افغانستان فقدان کمکهای بین المللی | عوامل تقویم کننده چهار عامل اصلی |

منبع : (Albrecht et al,2021)

۴-رमितنس مهاجرین افغان در ج.ا.ایران:

در آخرین آمارهای مربوط به رमितنس در سال ۲۰۲۰، رमितنس های ارسالی از ایران به افغانستان تقریباً ۱۴۴ میلیون دلار یعنی ۴۰ درصد کل رमितنس افغانستان را شامل و رमितنس ارسالی از پاکستان نیز ۱۰۷ میلیون دلار یعنی ۳۰ درصد کلیت رमितنس های ارسالی را تشکیل می داد. سایر وجوه رमितنس نیز از کشورهای حاشیه خلیج فارس و اروپائی بودند (WBG,2023,8) ؛ بنابراین دیاسپورا و جامعه دیاسپوریک در کشور مقصد تاثیری به سزا در ارتقا اقتصادی کشور مبدا دارد.

طبق آمارهای سازمان جهانی مهاجرت تا سال ۲۰۱۵ تعداد افرادی که به ایران مهاجرت کرده اند حدود ۲ میلیون و ۷۲۶ هزار نفر هستند. مردم افغانستان در صدر کشورهای قرار دارند که به ایران مهاجرت کرده اند. عمده دلیل این مهاجرت ها نیز مواردی مثل ناامنی، مشکلات اقتصادی، نبود شغل و ادامه تحصیلات در کشورهای مذکور بوده است. در همین خصوص یعنی میزان وجوهات ارسالی توسط افغانستانی ها و طبق گزارش سازمان بین المللی پناهندگان، به طور تقریبی در سال ۲۰۰۸ مبلغ حیرت انگیز ۵۰۰ میلیون دلار رमितنس از ایران خارج شده است (UNHCR, Jun 2016). در بخش دیگری از این گزارش به میزان وابستگی ۷۳ درصدی افغانستان به رमितنس ارسالی از ایران از سوی ایران اشاره شده است. این گزارش همچنین اعلام می کند که این میزان معادل ۶ درصد از تولید ناخالص

ملی افغانستان و برابر با درآمد صنعت تلکام این کشور نیز بوده است World Bank . (Bilateral Remittance Flows,2016).

در حال حاضر به دلیل وجود تحریم‌های بانکی و نبود سیستم جایگزین، مهاجران برای ارسال پول‌های خود به کشورشان عمدتاً از صرافی‌ها، دوستان و یا تاجران بزرگ افغانستانی استفاده می‌کنند. این روش انتقال چند مشکل اساسی برای ایران و مهاجران در پی دارد. اول اینکه هیچ گونه اطلاعی از میزان، دلایل و روش‌های انتقال برای نهادهای نظارتی ایرانی وجود ندارد و دوم، هیچ سهمی هم از اقتصاد این جریان مالی برای ایران به وجود نمی‌آید. از طرف دیگر مهاجران نیز اغلب با پرداخت کارمزد بالا متضرر می‌شوند. بنابراین با برقراری ارتباط بانکی مناسب بین دو کشور و تهیه طرح‌های اعتباری مشترک مثل پیمان دوجانبه پولی تا حدود زیادی می‌تواند این مشکلات را حل نماید. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود که دولت با برقراری روابط بانکی مناسب با افغانستان از این ظرفیت اقتصادی و امنیتی برد-برد استفاده کرده و علاوه بر افزایش درآمدهای مالیاتی خودش، جریان‌های مالی مهاجران قانونی و غیرقانونی را نیز به خوبی شناسایی کند. البته پیش نیاز مهم این اقدام این است که بانک‌ها اعطای خدمات پایه بانکی به مهاجران در ایران را برقرار کرده و ساماندهی کنند. به طور کلی رمیتنس ابزار اقتصادی موثری برای اقتصادهای ضعیف است که تاثیر مثبتی را می‌تواند بر دو کشور مبداء و مقصد داشته باشد. با تمامی داده‌های فوق، محدودیتهای ایجاد شده در خصوص رمیتنس، دو کشور ایران و افغانستان را با چالش‌هایی مواجه نموده است.

پیوستگی بین جریان ورودی پول رمیتنس در افغانستان و متغیرهای کلیدی ۲۰۰۸-۲۰۱۵

| تعداد مهاجرین | سالانه GDP رشد |
|-----------------|--|
| سهام ۰,۶۵ | کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۰,۵۹ |
| خالص جریان ۰,۶۰ | کشورهای خلیج فارس ۰,۱۴ |
| “ | ایران ۱۸.. |
| “ | پاکستان ۰,۰۳ |
| “ | افغانستان -۰,۴۲ |

Source: Own calculations based on UN DESA, UNHCR, and World Bank data.

با تمام این‌ها اتباع افغانستانی محدودیت‌هایی هم دارند. در تبصره ماده ۴ دستورالعمل بانک مرکزی مصوب سال ۱۳۹۰ تأکید شده اتباع خارجی دارای کارت آمایش و دفترچه پناهندگی از داشتن حق هرگونه خدمات الکترونیکی محروم هستند و نمی‌توانند عابربانک داشته باشند. اغلب مهاجران افغانستانی در ایران شاغل هستند و از درآمدشان راضی‌اند. از سوی دیگر، تعداد زیادی از مهاجران حاضر در ایران کالاهای ایرانی را به افغانستان صادر می‌کنند و حجم آن حدود ۲ میلیارد دلار در سال است. نبود شبکه مناسب بین ایران و افغانستان موجب می‌شود تا بسیاری از معاملات بین دو کشور دچار اختلال شده و از آن مهم‌تر به صورت دلار و یورو صورت گیرد. این در حالی است که برقراری ارتباط بانکی «ریالی-افغانی» می‌تواند جایگزین دلار شود. کارگران افغانستانی که در ایران مشغول هستند ماهانه پول‌های زیادی برای خانواده‌شان در افغانستان ارسال می‌کنند. حجم و میزان این مقادیر همیشه برای ایران نامشخص بوده است. اما اگر این مهاجران بتوانند وجوهات ارسال خودشان را از طریق شبکه بانکی ایران به صورت ریال و تبدیل آن به افغانی انجام دهند، علاوه بر اینکه به سود آن‌ها بوده و هزینه کارمزدشان را کمتر می‌کند برای شبکه بانکی ایران هم شامل گردش مالی خوبی خواهد شد و هم کارمزدهای کنونی از سمت صرافی‌ها و تجار به سمت شبکه بانکی خواهد چرخید. طبق آمار بانک جهانی تنها در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار توسط مهاجران حاضر در ایران به افغانستان ریمیتنس صورت گرفته است. (dataportal.org). گرچه بعضی آمارها بر این اعتقادند که میزان ریمیتنس مهاجران افغان به کشور خود در همین سال ۴۳۰ میلیون دلار بوده که ۱۷۵ میلیون دلار از ایران بوده یعنی ۲,۲ درصد GDP این کشور (https://countryeconomy.com).

۵-۲ تأثیرات اجتماعی دیاسپورای افغان بر ایران

ایران ده‌ها سال است که از زمان جنگ علیه اشغالگران شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ پذیرای پناهنجویان افغان بوده است. مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه و مشخصاً ایران نوعی مهاجرت اجباری ناسالم است که با آسیب و تخریب روحی و روانی اعضای خانواده‌های مهاجر توأم بوده است. عامل اصلی این نوع مهاجرت، جنگ و ناآرامی داخلی افغانستان و تبعات ناشی از آن بوده است (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴۳). «مهاجرین افغان که در نتیجه‌ی ضعف دولت-ملت‌سازی در افغانستان و جنگ‌های داخلی این کشور رهسپار ایران شده‌اند، طی گذار زمان توانسته‌اند اعتماد جمهوری اسلامی را به خود جلب کنند. علی‌رغم وجود برخی محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در ترازیت غیرقانونی و قاچاق اتباع افغان به برخی استان‌های ایران و تصویب بخشنامه‌ها و قوانین علیه آنها،

برخی شاخص‌های حقوق شهروندی (حق تحصیل بر بنیاد صدور طرح فرمان رهبری، ازدواج، مشاغل سخت، نقش آفرینی در برنامه تلویزیونی «عصر جدید» در شبکه سه صدا و سیما ج.ا.ایران، بهره مندی از گذرنامه و اخیراً بحث بر خورداری از شناسنامه که خود به منزله حق مشارکت سیاسی در انتخابات مطرح است) از سوی جمهوری اسلامی به آنها اعطا شده است. مهاجران قانونی افغانستان در ایران از دو دسته کارت آزمایش و گذرنامه اقامتی حق اقامت برخوردارند. طبق آمار وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان در سال ۱۳۹۶ تعداد ۸۴۰۵۲۰ تن از مهاجرین افغانستانی در ایران دارای کارت پناهندگی آمایش، ۳۰ هزار تن دارای سند طولانی مدت، ۴۵۰ هزار تن دارای گذرنامه کوتاه مدت و ۷۳۵۶۲۲ تن فاقد مدرک در ایران حضور یافتند و به زیست پرداختند (وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان، ۱۳۹۶). بسیاری از این مهاجران که در دهه‌های پیشین به ایران مهاجرت کرده‌اند، در بخش‌های اقتصادی مشغول به کار هستند، به طوری که بیش از ۳۰ درصد بازار کار مربوط به کارهای ساختمانی را در دست دارند که خود گویای دیاسپورای کار است؛ در مجموع، مشاغل مجاز برای افغان‌ها در ایران دربرگیرنده - ی برخی از بخش‌های کشاورزی، ساختمانی، کوره پزخانه‌ها و سایر گروه‌های شغلی فرودست است» (اعظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹-۳۴).

مهاجران افغان با شبکه ای از چالش‌ها مواجه هستند که ناشی از سیاست‌های دولت و نگرش‌های اجتماعی است. افغان‌ها اغلب دسترسی محدودی به مراقبت‌های صحیح، آموزش و پرورش و سایر خدمات عمومی دارند. سیاست‌های مهاجرتی متناقض بوده و بین مجوزهای کار موقت و اخراج دسته جمعی در نوسان بوده است؛ دولت اغلب مهاجران غیرقانونی را بدون روند قانونی بازداشت می‌کند. مهاجران افغان به دلیل وضعیت نامطمئن قانونی خود، اغلب در بازار کار مورد استفاده قرار می‌گیرند (Rezaeizadeh, 2023).

این که حجم سنگین مهاجرت پس از روی کارآمدن گروه طالبان در اوت ۲۰۲۱ در حالی صورت گرفته است که جامعه‌ی ایرانی به دلیل تحریم‌های چندلایه‌ی هسته‌ای غرب علیه این کشور و ایجاد محدودیت‌های متعدد بر سر رشد اقتصادی این کشور، باعث شده است تا نگرش بار اضافی در باب افغانستانی‌های شاغل در ایران در بدنه‌ی اجتماع ایران شکل بگیرد. به همین دلیل است که مهاجران افغان در محیط‌های مختلف اجتماعی از جمله مدارس، محل‌های کار و فضاهای عمومی با تبعیض روبرو هستند. انگاره‌ی طرفداری از طالبان و تسخیر ایران توسط مهاجرین در شبکه‌های اجتماعی برسازی می‌شود و همین امر بر نگرش منفی نسبت به مهاجران افغانستانی دامن می‌زند

(Rezaeizadeh, 2023). بر همین اساس مهاجران افغان اغلب در معرض کلیشه های فرهنگی قرار می گیرند که آنها را بیشتر به حاشیه می برد و فرصت های آنها را محدود می کند.

ابعاد گوناگون و متعدد دیاسپورای افغانستانی در جامعه ی ایرانی از منظرهای متعدد سیاسی-امنیتی، اجتماعی و اقتصادی قابل بررسی است. این پدیده می تواند دو سویه منفی (تهدید) و مثبت (فرصت) را در برگیرد. از بعد فرهنگی با توجه به هم جنس بودن زبان و آداب و سنن مشترک میان شهروندان ایرانی و افغانستانی، اما یکی از شاخص هایی که باعث شکاف بین آنها می شود، مساله «مذهب» است؛ اگرچه برخی از مهاجرین شیعی مذهب هستند؛ اما بخش مهمی از مهاجران را اهل سنت تشکیل می دهند؛ که همین امر باعث نوعی گسست و شکاف از منظر فرهنگی را ایجاد می نماید.

تغییر دیگری که به جهت فرهنگی و اجتماعی می تواند از اثرات حضور گسترده مهاجران در جامعه ی ایرانی باشد، تغییر و تحول بافت جمعیتی و قومی در شهرهای در معرض این پدیده است؛ علاوه بر این خلق پیوندهای خویشاوندی سببی میان اتباع افغانستانی و ایرانی، سواستفاده جنسی و آسیب های اجتماعی به مانند مبادله ی اقتصادی زنان فرودست به جهت گرفتن تابعیت برای فرزندان از سوی دیاسپورای افغانستانی از دیگر عواملی است که می تواند تاثیر بسزایی بر جامعه ی ایرانی از منظر فرهنگی داشته باشد؛ موضوعی که می تواند افزایش ازدواج های غیررسمی، غیرقانونی و تولد کودکان بی هویت را به همراه داشته باشد. «افزایش تدریجی افغانستانی ها در ایران طی دهه های گذشته و سرریز یکباره ی آنها به کشور پس از روی کار آمدن طالبان در اوت ۲۰۲۱ میلادی، سونامی مهاجرت را رقم زده است. گزارش ها حاکی از حضور ۸ میلیون مهاجر افغان در ایران (معادل تقریباً ۱۰ درصد جمعیت کشور) است که خود به منزله ی دگرگونی در بافت جمعیتی و هویتی استان های شرقی و مرکزی ایران از جمله سیستان و بلوچستان، خراسان (جنوبی، رضوی و شمالی)، کرمان، یزد، اصفهان و فارس است. بر اساس گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، روزانه ۵ هزار افغانستانی به صورت قانونی و غیرقانونی وارد کشور می شوند. اکثریت این مهاجرین از قوم پشتون هستند و نرخ زاد و ولدشان بین ۴/۷ تا ۵/۲ درصد است. براساس این گزارش، تنها در بیمارستان های تهران بین ۵۰ تا ۷۰ درصد زایمان ها مربوط به زنان افغان است. در سال تحصیلی ۱۴۰۰، تعداد ۶۰۰ هزار دانش آموز افغانستانی در مدارس دولتی ایران مشغول تحصیل هستند و پیش بینی می شود این رقم در

سالهای آینده به یک میلیون و دویست هزار نفر افزایش یابد» (اعظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴-۹).

حضور مهاجران افغانستانی در محیطها و حوزه‌ی عمومی در جامعه‌ی ایرانی و شکل-گیری گروه‌های شبکه‌ای مرتبط با هم (کامیونیتی افغانستانی‌ها) در کلانشهرهای ایران از دیگر تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مهاجرت افغانستانی‌هاست. تجمع خیل کثیری از مهاجرین در حوزه‌ها و مجامع عمومی همچون ساحل دریایه شهدای خلیج فارس (چیتگر)، میدان آزادی و میدان انقلاب تهران، پارک ملت و کوهسنگی مشهد و همچنین میدان و پارک‌های تفریحی یزد و کرمان و اصفهان می‌تواند نمونه روشنی از این وضعیت باشد.

از منظر اقتصادی اما حضور مهاجرین می‌تواند به تنوع نیروی کار در ایران منجر شود و فضای کسب و کار را به ویژه در مشاغلی که به جهت سختی در معرض نابودی قرار دارد؛ را رونق ببخشد. در این حوزه ما شاهد همزمانی و همپوشانی رمیتنس اقتصادی و رمیتنس اجتماعی هستیم. براساس تعریفی که از مفهوم رمیتنس اجتماعی از سوی سازمان بین‌المللی مهاجرت ارائه شده، این مفهوم ناظر به «انتقال ایده‌ها، رفتارها، هویت‌ها و سرمایه اجتماعی از مهاجران به جوامع مبدا آنهاست. این اصطلاح عموماً در مورد انتقال دارایی‌های غیر پولی در نتیجه مهاجرت، مانند انتقال دانش، تخصص، شبکه‌سازی و مهارت‌ها استفاده می‌شود. مهاجران در جامعه مقصد دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های جدیدی از زندگی اجتماعی را فرامی‌گیرند که بر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی آنان تأثیر خواهد گذاشت. هرچه میزان ادغام اجتماعی مهاجر در جامعه مقصد بیشتر باشد تغییرات اساسی‌تری در سرمایه اجتماعی وی به وجود خواهد آمد» (سلیمی، ۱۴۰۲). در همین چارچوب، نیروی کار افغانستانی به دلیل به حداکثر رساندن درآمد مالی خود تلاش می‌کند تن به یادگیری و انجام کارهای مختلفی دهد. همین امر باعث افزایش مهارت و متعاقب آن افزایش مهارت‌ها و ایده‌های مالی وی که در جامعه مقصد (ایران) فرا گرفته می‌شود؛ این مساله مهاجران افغانستانی را قادر می‌سازد در کشور مقصد با رفاه بیشتری زیست کنند و قابلیت‌های متعددی را به منظور تحرک اجتماعی از خود بروز دهند. یکی دیگر از تأثیر مثبت اقتصادی حضور مهاجرین در جامعه ایرانی، رونق گرفتن بخش‌های مهم اقتصاد همچون راه و ساختمان، معدن و صنایع معدنی بوده است؛ رده‌های شغلی‌ای که با شرایط و ویژگی‌های نیروی جویای کار ایران تناسبی ندارد. همین امر باعث افزایش نیروی کار و کاهش نرخ دستمزد و در نهایت رونق صنایع مذکور خواهد شد. «برخی صنایع ایران که تولیدات آنها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت‌های صادراتی کشور

محسوب می‌گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی‌هاست. از جمله در تهران، بخش قابل توجهی از کارگاه‌های صنعت تولید کیف و کفش در اختیار کارگران افغانستانی است. علت رقابتی بودن صنعت کیف و کفش ایران، بخشی به جهت قیمت پائین آن است و بخشی به جهت کیفیت نیروی کار. خروج برادران افغانستانی از ایران، به دلایلی که در بالا ذکر شد، هزینه‌های تولید را افزایش و رقابتی بودن این صنایع را از بین برده و صادرات را قطعاً کاهش خواهد داد» (زنگنه، ۱۳۹۸).

اما حضور مهاجرین به جهت اقتصادی دارای ابعاد منفی نیز هست. «مهاجران برای گذراندن زندگی، ناچار به اشتغال در هر نوع فعالیتی هستند. از طرف دیگر، به علت بالای بودن میزان بیکاری و شاید وجود موانع قانونی، فرصت اشتغال در نهادهای دولتی به این مهاجران داده نشده است. لذا آنها به مشاغلی روی می‌آورند که کمتر تحت نظارت ارگانهای دولتی است» (شاطیان و گنجی پور، ۱۳۸۹: ۹۴). همین امر باعث ورود آنها به اقتصاد و مشاغل کاذب می‌شود و نظم اقتصادی متفاوتی را در مناطق کم‌برخوردار کلانشهرها و شهرک‌های اطراف آنها رقم می‌زند. همین موضوع می‌تواند توازن نیروی کار بومی را بهم زده و فرصتهای شغلی را برای شهروندان بومی ایرانی از بین ببرد. همین امر از سوی دیگر باعث تغییر فضای اجتماعی و فرهنگی اشتغال نیز در جامعه ایرانی می‌شود. بدین ترتیب که «برخی جوانان ایرانی در جوامع شهری ممکن است با مشاهده انجام کارهای طاقت فرسای یدی و فیزیکی توسط نیروی کار افغان که از شأن و منزلت اجتماعی چندانی برخوردار نیست، آنها را در زمره‌ی مشاغل فرودست به حساب آورند و از ورود به چنین مشاغلی سرباز زنند و یا بالعکس عده‌ای برای کسب درآمد حداقلی به چنین مشاغل کاذبی (به جای مشاغل تولیدی) تن دهند. از سوی دیگر، کارفرمایان به دلیل سخت‌کوشی افغان‌ها و ارزان قیمت بود (نرخ دستمزد پایین) چنین نیروی کاری، آنها را برا نیروی کار بومی ایرانی ترجیح می‌دهند. سرانجام، نیروی کار افغانستانی در ایران با خروج سالیانه مبالغ هنگفت ارز به خارج از مرزها به اقتصاد سطوح ملی و محلی در ایران ضربه دهشتناکی وارد می‌سازند» (اعظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹-۳۴).

در مجموع باید گفت تأثیرات اجتماعی دیاسپورای افغانستانی در ایران به ویژه پس از مهاجرت میلیونی این افراد به ایران پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱، هم دارای ابعاد مثبت باشد و هم ابعاد منفی. اما بافتار فعلی جامعه‌ی ایرانی از پس یک دهه رشد اقتصادی نزدیک به صفر درصد و پیچیده شدن مناسبات روابط ملت - دولت در کشور و همچنین افزایش فشارهای اقتصادی و متعاقب آن ناراضیاتی اجتماعی، امکان بروز ابعاد

منفی این مهاجرت در برابر ابعاد مثبت آن را بیشتر می‌نماید. زیرا با توجه به عوامل ذکر شده، انگاره‌ی «سربار بودن» و «اضافی» بودن افزایش یافته و بر مهاجرین اطلاق می‌شود.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاش داشت تا در رابطه با یکی از ابعاد مهم مهاجرت افغانستانی‌ها در ایران به این سؤال پاسخ دهد که جریان رمیتنس اقتصادی و اجتماعی دیاسپورای افغان چه پیامدهایی برای جامعه ایران در حوزه اجتماعی و اقتصادی دارد؟. همانطور که بررسی شد رمیتنس بخش مهمی از اکوسیستم مالی افغانستان (۴ درصد تولید ناخالص ملی) را تشکیل می‌دهد. حجم عمده‌ای از این جریان رمیتنس با توجه به کمیت مهاجرین افغان در ایران، ارسال از جامعه ایرانی به کشور افغانستان است. گرچه مبلغ ارسال و جوه رمیتنس از ایران به افغانستان با توجه به بحران اقتصادی و ریزش ارزش ریال، نمی‌تواند مبلغ قابل توجهی باشد، ولی رصد انتقال این جوه و پایش افراد دارای حساب می‌تواند یک بانک اطلاعاتی را در خصوص اشراف بر پناهندگان افغان را برای رصد اطلاعاتی مترتب، فراهم آورد. در این راستا سازوکاری مانند FATF (گروه ویژه اقدام مالی) و CFT (مبارزه با تامین مالی تروریسم) برای رصد اطلاعات مالی یعنی حواله‌های مالی مهاجرین افغان، پرداخت‌های بین‌المللی مهاجرین و سلب تامین مالی تروریسم منطقه‌ای در کشور نیاز است. درنگاه دیگر نباید فراموش نمود که رمیتنس نقشی بسیار مهم در ساختن صلح و فرایند صلح سازی بین کشور مبدا و مقصد دارد؛ باید عنوان نمود رمیتنس‌ها در کشورهای با ساختارهای مالی و بانکی رسمی به صورت مطلوب انتقال و رصد می‌شود، در حالی که فقدان زیر ساخت‌های بانکی به هر دلیل باعث انتقال شبکه رسمی انتقال وجه از مبادی غیر رسمی و شخصی می‌گردد که آفتی بر پیکره ساختار پولی کشور مبدا می‌باشد. همانطور که عنوان گردید، گرچه مفهوم رمیتنس، شاید در نگاه اول صرفاً فقط جنبه اقتصادی و پولی را در بر بگیرد، اما تحلیل داده‌های این جریان اقتصادی نشان داده است که جریان‌های غیرپولی مانند رمیتنس‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند و از این منظر، جریان رمیتنس می‌تواند زانوس گونه چهره‌ای فرصت-تهدیدزا را برای منافع ملی در پی داشته باشد.

در مقام نتیجه‌گیری و پاسخ به سؤال مقاله باید گفت مهاجرین افغانستانی در ایران هم دارای تاثیرات منفی (تهدید) و هم تاثیرات مثبت (فرصت) است که می‌تواند به اقتضای رفتار سیاست‌گذار ایرانی، بروز نماید. به جهت اجتماعی و فرهنگی دیاسپورای افغانستانی می‌تواند باعث تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی شود و شکافی قومی و مذهبی (شکاف شیعه و سنی / شکاف ایرانی و افغانی) را بر جامعه‌ی پُرشکاف ایرانی تحمیل نماید؛ همچنین در

این زمینه مهاجرین افغانستانی قادر است به واسطه‌ی پایدار ماندن رمیتنس اقتصادی خود و افزایش درآمدهای مالی خود دست به هر کاری زده و مشاغلی را قبول نماید که نسبتی با خواست کارجویان ندارد و علاوه بر این به گسترش مشاغل کاذب و اقتصاد غیررسمی در حاشیه‌ی کلانشهرها دامن زند. از سوی دیگر همین نیروی مهاجر می‌تواند با حضور خود در بخشهای صنعت ساختمان و صنایع معدنی، باعث رونق این بخش‌های مولد اقتصادی شود. بدین ترتیب دیاسپورای افغانستانی هم قادر است فرصت باشد هم تهدید. اما با توجه به وضعیت فعلی و بافتار اقتصاد بی‌ثبات ایرانی طی یک دهه‌ی اخیر، امکان بروز متغیرهای منفی حضور مهاجرین افغانستانی در جامعه ایرانی بیشتر است. لذا رصد و تعقیب جریان رمیتنس مهاجرین افغان در جمهوری اسلامی، باید به عنوان یک دستور کار اقتصادی - امنیتی توسط نهادهای متولی، پیگیری گردد.

evidence for Afghanistan at macro level, **Managed International Labor Mobility as Contribution to Economic Development and Growth** Washington, DC

-De Haas, H. (2010). Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration. **Oxford : University of Oxford**

-Jorge Eduardo Mendoza Cota and Eliseo Díaz González(2008), Are remittances a source of saving and investment in Mexico? A regional

-Kthleen,N & Sonia Plaza(2013),what we know diaspora & economic development. **Policy rief journal**. Migration policy institute

-M.demetriou, Towards post nationalism? Diasporic Identities & the political process, university of kent , 1998 Movement in Turkey since the 1980s.” **In The Kurdish Nationalist Movement in 1990s: N.Y.:**

-PATRICIA WEISS FAGEN with MICAH N. BUMP(2005),REMITTANCES IN CONFLICT AND CRISES: How Remittances Sustain Livelihoods in War, Crises, and Transitions to Peace, **International Peace Academy**, www.ipacademy.org

-Rezaei Zadeh, Maryam (2023).”The Afghan Immigrant Crisis in Iran and the Rise of Afghanophobia”.

-Shain, Y. & A. Barth (2003), ‘Diasporas and international relations theory’, International

-Stark, O. (1991) **The Migration of Labor**, Cambridge and Oxford: Blackwell.

-Taylor, J. (1999). The New Economics of Labor Migration and the role of remittances in the migration process. **International Migration**, Volume 37(Issue 1), 63–88.

-World bank (2023), Leveraging Diaspora Finances for Private Capital Mobilization, **Migration and Development Brief** 39 December 2023

-World bank. (2011,2024). **Migration And Remittances Factbook** (2nd Edition ed.). Washington: The World Bank.

منابع و مآخذ:

-اعظمی، هادی؛ حسینی، سیدمحمدحسین؛ صادقی، وحید (۱۴۰۰). «تبیین دیاسپورای افغان در شهرستان ممسنی».

مجله مطالعات اجتماعی اقوام، دوره ۲، شماره ۱.

-زنگنه، محسن (۱۳۹۸). «حضور مهاجران افغانستانی برای اقتصاد ایران، فرصت یا تهدید؟»، **سایت جامعه خبری**

تحلیلی الف.

-سلیمی، زرگار (۱۴۰۲). «ریمیتنس اجتماعی؛ مفهومی مهم در گذار به توسعه»، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۵۹۴۲

-شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود. (۱۳۸۹). «تأثیر مهاجرت افغان ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان». **فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری**. (۳۱)، ۸۳-۱۰۲.

-متقی، سمیرا. (۱۳۹۴). «تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران؛ تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری». **سیاست‌های راهبردی و کلان**، ۳ (شماره ۱۱).

-Acaps(2023), Remittances: the scale and role of private financial transfers, **Thematic report** 27 July 2023

-Agunias, D.R. and Newland, K. (2012), Developing a Road Map for Engaging Diasporas in Development, **IOM. analysis of the households’ behavior**

-Brinkerhoff, J.M. (2011), “Diasporas and conflict societies: conflict entrepreneurs, competing interests or contributors to stability and development?” **Conflict, Security & Development**, Vol. 11 No. 2, pp. 115-143.

-BUENO, Xiana; PRIETO-ROSAS, Victoria (2019) “Migration Theories”. GU, Danan; DUPRE, Matthew E. (Eds) Encyclopedia of Gerontology and Population Aging. **Springer**, Cham (ISBN: 978-3-319-69892-2).

-Clara Albrecht, Britta Rude and Tanja Stitteneder* Afghanistan’s Free Fall – Return of the Taliban and Flight as a Last Resort, ifo Institute., **CESifo Forum** 6 / 2021 November volume 22

-Daniel Garrote-Sanche(2023), International Labor Mobility of Nationals: Experience and